المملكة العربية السعودية
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
616

چگونگی حج و عمره
و زیارت با دعاء



ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضى
رحمه الله

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
info@islam.org.sa

چگونگی حج و عمره
و زیارت با دعا

تهیه وتنظیم:

دفتر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضی
رحمه الله

چاپ و نشر

وزارت شؤون اسلامی ودعوت وارشاد

عربستان سعودی

ح وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد، ١٤٣٢ هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر
لجنة هدية الحاج والمعتمر
صفة الحج والعمرة والزيارة./ لجنة هدية الحاج والمعتمر.-
الرياض، ١٤٢٥هـ.
١٤٠ ص، ١٢ × ١٧ سم
ردمك: ٦ - ٤٨٤ - ٢٩ - ٩٩٦٠
(النص باللغة الفارسية)
١ - الحج ٢ - العمرة أ - العنوان
ديوي ٢٥٢,٥ ١٤٢٥/٥٩٩٦

رقم الإيداع: ١٤٢٥/٥٩٩٦
ردمك: ٦ - ٤٨٤ - ٢٩ - ٩٩٦٠

الطبعة الخامسة عشرة
١٤٣٩ هـ

چگونگی حج و عمره
و زیارت با دعاء

تهیه وتنظیم: دفتر علمی بنیاد هدیه به حجاج

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی
رحمه الله

ناشر

معاونت مطبوعات وپژوهش علمی

وزارت شؤون اسلامی، و دعوت و ارشاد

1439 هـ

فهرست مطالب

م	عنوان	ص
۱	فهرست مطلب	٤
۲	مقدمه کتاب	٦
۳	فضیلت حج وعمره	۱۱
٤	حکم حج و عمره	۱٤
٥	شروط قبول حج	۱٥
٦	انواع نسکها	۲٤
۷	میقات گاه‌ها	۳۱
۸	اعمالیکه حاج و معتمر در میقات انجام می‌شود	۳٦
۹	محظورات احرام	٤۱
۱۰	دخول مکه و مسجد الحرام	٤۸
۱۱	طواف عمره	٥۱

١٢	بعضی از اشـتباهات و اخطـا اثنـای طواف	٥٨
١٣	سعی عمره	٦٢
١٤	آخرین اعمال عمره	٦٩
١٥	اعمال حاج در روز ترویه	٧٢
١٦	اعمال روز عرفه	٧٥
١٧	اشتباهاتیکه در روز عرفه رخ می‌دهد	٨٠
١٨	ماندن شب در مزدلفه	٨٤
١٩	اعمال روز عید(١٠ ذی حجه)	٨٩
٢٠	اعمال روزهای تشریق	١٠٢
٢١	طواف وداع	١٠٧
٢٢	زیارت مسجد رسول الله ﷺ	١١٠
٢٣	ادعیهٔ از قرآن وسنت	١٢٨

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، الحمد لله جعل البيت الحرام مثابة للناس وأمناً، تهفو إليه قلوب عباده المؤمنين، والصلاة والسلام على الحبيب المصطفى خيرِ من حج البيت واعتمر، المبعوثِ رحمة للعالمين، أدى الأمانة، ونصح الأمة، وجاهد في الله حق جهاده، أرسله الله بالإسلام، يهدي به العباد ويخرجُهم من ظلمات الكفر والشرك، إلى شمس الإسلام وسراجه المنير.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنتَ تَدْرِى مَا ٱلْكِتَٰبُ وَلَا ٱلْإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلْنَٰهُ نُورًا نَّهْدِى بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ وَإِنَّكَ

لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾ [الشوری:۵۲].

«همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم؛ و تو مسلما به سوی راه راست هدایت می‌کنی».

خدایا! سپاس برای تو است که دین را شرع نمودی، و سپاس برای تو است که فرمان دادی، و سپاس برای تو است که آسان

گردانیدی و سرنوشت نمودی.

برادر و خواهر مسلمان!

مکّهٔ مکرمه بهترین زمین و محبوبترین جا نزد خداست، در آن مسجد الحرام و کعبه مشرفه وجود دارد که خدا آنرا قبله مسلمانان قرار داده است، و تمامی مردم در هر شبانه روز پنج بار برای اطاعت از خدا و اجابت ندای حق بسوی آن رو می‌کنند، مکه مهد انبیاء و مقام پدرمان إبراهیم عليه السلام و مبعث پیامبرمان محمد ﷺ است.

تو ای.برادر هنگامی که در کشور خود بودی، و به سوی مکّهٔ مکرمه و کعبه مشرفه

نماز می‌خواندی، و مردم را می‌دیدی کـه در حرم نماز می‌خوانند، و از خدا مـی‌خواسـتی که تو نیز یکی از آن مردمـی باشـی کـه در حرم هستند، چنان که آنان دور کعبه طـواف می‌کنند، تو نیز طواف کنی، و نمـاز بخـوانی چنان که انها نماز می‌خواننـد، و آب زمـزم بنوشی، و سعی بین صفا و مروه بکنی، و خدا را در بهترین مکان عبادت کنی.

ای برادر و خـواهر مـسلمان! خـدا را دعـا کردی تا حج و عمره را برایت میسر گردانیـد، و دعایـت را اجابـت کـرد، و آسـان گردانیـد، و خـواسته‌ات را برآورده کرد، پس خدا را سپاس،

تو در حال حاضر راهی خانه خدا هستی، و ای برادر حق تو بر ما این است که تو را در این سفر همراهی کنیم، و از آغاز سفر خود به بلد الحرام، تا رجوع به سوی خانواده‌ات با سلامتی و اجر و پاداشی فراوان، چگونگی حج و عمره را برایت بیان کنیم.

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید: السعودية: الرياض ـ الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣).
www.aqeedeh.com
ES@AL-ISLAM.COM

فضیلت حج و عمره

حج و عمره برای کسی که نیت خـود را برای خدا خالص کند، و اعمال آنرا بطـوری که در قرآن و سنت شریف آمده انجام دهـد، فضیلت بسیار بزرگی را دارد.

أبـو هریـره ﷺ از رسـول الله ﷺ روایـت می‌کند: «من أتی هذا البیت فلم یرفث ولم یفسق رجع کما ولدته أمه» [مسلم].

هر کس به زیارت این خانه(کعبه) بیاید، و بـا زن خـود نزدیکـی نکنـد، و مرتکـب معصیت و گناهی نشود، چنـان از گناهـانش پاک می‌شود، که گوئی تازه از مادرش متولد

شده است.

یعنی چنان رجوع می‌کند مانند کودکی که هیچ گناهی انجام نداده است.

أبو هریره ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ که فرمودند: «العمرة إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلاّ الجنة». [متفق علیه].

عمره تا عمرهٔ دیگر کفارهٔ گناهانی است که بین آن انجام می‌شود، هیچ جزا و پاداشی برای حج مبرور جز بهشت نیست.

صفت حج مبرور برادر مسلمان چنین است که هیچ ریا، سمعتی، گناه و معصیتی

در آن نباشد، و آنرا بر وجه کامل چنانکـه خدا و رسول خدا ﷺ امر کرده‌انـد انجـام داده باشد.

حکم حج و عمره

حج رکن پنجم از ارکان اسلام است، و تمامی أمت اسلام از عصر نبوت بر وجوب حج اقرار دارند و آنهم بر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد که استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴾ [آل عمران ٩٧].

«و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج

را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است».

اما عمره ـ ای برادر و خواهر مسلمان ـ در قول صحیح از اقوال علماء فقط یکبار در عمر واجب است، حال اینکه این عمره با حج باشد، یا اینکه تنها انجام شود، یعنی در غیر وقت حج، در هر وقت از سال، و بر مسلمان بالغ و عاقل که توشه و راه رسیدن به مکه داشته باشد، واجب است.

شروط قبول حج:

برادر و خواهر مسلمان! حج و عمره عبادتی برای خدای عزوجل است، و هر عبادت

کوچـک یا بزرگ قبول نمی‌شود مگر بـا دو شرط مهم، تا اینکه خشنودی خدا و بهشت را کسب نمائی.

شرط اول: اینکه عبـادت خالـصاً بـرای رضا و خشنودی خدا باشـد، هـیچ کـس از مخلوقات خدا را در آن شریک قرار ندهد.

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «أنـا أغنـى الـشركاء عـن الـشرك مـن عَمِل عمـلاً أشـرك فيـه معـي غـيري تركتُـه وشـركَه» [مسلم].

من از کـسانیکه بـرایم شـریک قائـل می‌شـوند بـی‌نیـازترین شـریکان هـستم،

هرکس عملی انجام دهد و با من کسی دیگر را شریک قرار دارد، او و شرکش را ترک خواهم کرد.

یعنی خدا از بنده‌اش عملی را که در نیت آن کسی را شریک قرار داده، قبول نمی‌کند، و من جمله به جای آوردن حج یا عمره برای اینکه مردم ببینند یا بشنوند (قصدش شهرت باشد)، چون که همه اینها اعمال را نابود می‌کند، پس ای برادر و خواهر از این برحذر باش.

شرط دوم: پیروی کردن از پیامبر ﷺ.

هر عبادتی که خدا به آن امر فرموده

رسول الله ﷺ صفت و چگونگی آنرا بـه مـا می‌اموزد، و آنرا در کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ می‌بینیم.

و هیچ عبادتی نیست مگر اینکـه صـفت خاصی دارد، مثلاً نماز صفتِ خاصی دارد، و همچنین زکات، روزهٔ رمضان، حج و سـایر عبادتها ویژگی خاصی دارند.

و رسـول الله ﷺ مناسـک حـج را أدا مـی‌کردنـد، و مـی‌فرمودنـد: «خذوا عني مناسككم» [مسلم با الفاظ متقارب]. از من مناسک و راهنمای حج خود را بیاموزید.

یعنی بنگرید من در اعمال حج و عمره چه

می‌کنم، شما هم به من تأسی و اقتدا کنید.

و از هر چیزی بطور اضافی در دین بر حذر می‌داشتند، چنانکه فرمودند: «من عَمِل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد». [مسلم].

«هرکس عملی انجام دهد که امر و فرمان ما بر آن نیست، آن عبادت مردود است».

یعنی هر عبادتی که بر آئین خدا و رسول خدا ﷺ نباشد، آن عبادت مردود و غیر قابل قبول است.

ای برادر و خواهر مسلمان! این دو شرط را در تمامی عبادتها مد نظر داشته باش، و در حج و

عمره بدان که مهمترین چیزی که بر تو واجب است، این است که متأکد شوی آیا آنرا با اخلاص انجام داده‌ای؟ آیا حج و عمره را چنانکه خدا و رسولش ﷺ امر کرده‌اند انجام داده‌ای؟

خدایا! تمامی اعمال ما را خالص برای رضا و خشنودی خود قرار بده.

خدایا! ما در آن هیچ ریا و سمعتی نمی‌خواهیم، و آنرا چنانکه تو و رسولت امر کرده‌اید انجام می‌دهیم، آمین.

ای برادر مسلمان! اگر عزم سفر بسوی خانه خدا برای ادای حج کردی، توشه و نفقه خود را از مال پاک و حلال قرار ده، و با

دوستان خوب و صالح و نیک که تـو را بـر طاعت و فرمان خدا کمک می‌کنند، سفر کن، و احکام خـاص بـه حـج را بیـاموز، تـا در اشتباهاتی که حج‌ات را فاسد کند نیفتـی، و اگر به اشتباه و اشـکالی برخـورد کـردی از علماء سؤال کن، چنان که رسـول الله ﷺ فرمودند: که علما وارثان انبیاء هـستند. [أبـو داود].

برادر! یادآوری می‌کنـیم کـه در داخـل مسجد الحـرام و مـشاعر مقدسـه دفترهـایی ویژهٔ فتوا و ارشاد اسلامی و تلفن‌هایی ویژهٔ زنان وجود دارد که هنگام سؤال و اشـکال و

اشتباهات در مورد حـج و عمـره و مـسایل شرعی می‌توان با آنها تماس گرفت، خداوند پاداش خیر به قائمین بر آنها بدهد.

بر زنان واجب است که با کسانیکه محرم او هستند سفر کنند مانند: پدر، بـرادر، پـسر، شوهر، و مانند اینها، و اگر تنها و بدون محرم سفر کند، حج او صحیح، ولی گناهکار است.

و الآن ما و شـما در رحـاب و وسـعت (فراخی) این دین عظیم، و احکام عبادتی از عبادات بزرگ داخل می‌شویم، پـس با تـــو سـفر بـسوی بهتـرین مکـان را در زمـین شـروع می‌کنیم، زمینی که خدا در آن برکت

فرستاده، و آنرا أمن و أمان قرار داده است، و کسانیکه در آن هستند ایمن می‌باشند، بسوی بیت الله الحرام.

أنواع نسک‌ها[1]

برادر مسلمان! برای حج سه نسک است که حاج یکی از آنها را اختیار می‌کند، و هر کدام را که انجام دهد حج او صحیح است، و نسکها چنین می‌باشد:

نسک اول: تمتع:

حاج برای عمره در یکی از ماه‌های حج احرام می‌بندد، و ماه‌های حج عبارتند از: شوال، ذی‌قعده، ده روز از اول ذی‌حجه، و می‌گوید:

---

(١) نسک: منسک، راه دین و روش عبادت، (فرهنگ بزرگ جامع نوین).

منسک: راه و روش عبادت، مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

لبیک عمرة، سپس اعمال عمره را بطور کامل انجام می‌دهد، و هرگاه طواف و سعی انجام داد و سر را تراشید یا کوتاه کرد عمره او بپایان رسیده و همه چیز که قبل از احرام بر او حرام شده بود، حلال می‌گردد.

سپس روز هشتم ذوالحجه از جای سکونت خود فقط برای حج، احرام می‌بندد، و می‌گوید: **لبیک حجاً**،و بر متمتع یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو هدی[۲] واجب است، اگر پیدا نکرد سه روز در حج و هفت

---

(۲) هدی در زبان فارسی شکرانه گویند، آن حیوانی که در صحرای منی ذبح می‌شود.

روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

بنابر صحیح‌ترین اقوال علماء، حج تمتع بهترین سه نسک بشمار می‌رود، آنهم برای کسی‌که قربانی با خود همراه ندارد، زیرا پیامبر ﷺ بعد از اینکه بین صفا و مروه سعی نمودند فرمودند: «من كان منكم ليس معه الهدي فليحل وليجعلها عمرة» [متفق عليه].

هرکس از شما با خود هدی همراه ندارد از احرام بیرون بیاید و آنرا به عمره تبدیل کند.

چون حاج در سفر خود حج و عمره را با هم جمع کرده است.

نسک دوم: قران:

حاج برای انجام حج و عمره با همـدیگر در ماه‌هـای حـج در میقاتگـاه نیـت کـرده، می‌گوید: (**لبیـک عمرة وحجاً**)، و وقتی بـه مکه رسید طواف عمره کرده و برای حـج و عمره فقط یک سعی می‌کند، و اگر خواسـت سعی حج را به بعد از طواف افاضـه بتـأخیر می‌اندازد، سپس بر احرام خود باقی مانده سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کنـد تـا اینکـه روز هشتم ذوالحجه به منی رفته و باقی نسک خود را به پایان می‌رساند.

و قارن مانند متمتع هـدی بـر او واجـب

است، و اگر هدی پیدا نکرد (یا نتوانست) سه روز در حج و هفت روز بعد از رسیدن به خانواده روزه می‌گیرد.

نسک سوم: إفراد.

حاج فقط برای حج در ماه‌های حج نیت کرده و احرام می‌بندد و مـی‌گویـد: (**لبیـک حجاً**)، و شخص مفرد عمل قـارن را انجـام می‌دهد جز اینکه قارن بـر او هـدی واجـب است، ولی مفرد چنـین نیـست چـون ماننـد متمتع و قارن بین حج و عمره با هـم جمـع نکرده است.

و حاج بین سه نسک گذشته مخیر است، ولی برای کسی‌که با خود هدی همراه نـدارد حج متمتع بهتر است، چنانکه قبلاً ذکر شد.

برادر مسلمان و خواهر! اگر بسوی خانـه

خدا، بیت الله الحرام، متوجه شــدی، و قــصد انجام حج و عمره را داشتی اولین چیزی کــه باید انجام دهی ؛ نیت کردن از میقات اســت. آنهم نیت دخول به حج یا عمره.

و هرکس بخواهد به مکه برود و قــصد حج یا عمره دارد باید از میقات نیت کنند.

میقات جاهای معلومی است که رســول الله ﷺ برای کسانی که از تمامی نقاط زمین قصد زیارت خانه خدا را دارند تعیین کرده است، و قبل از رسیدن به بیت الله الحرام از آنجــا نیــت می‌کنند.

میقات گاه‌ها چنین هستند

ذو الحلیفه:

میقات اهل مدینه، و کسانی که از آن راه به مکه می‌روند، تا مسجد النبوی (١٣) کیلومتر فاصله دارد، وآن دورترین میقات از مکّه می‌باشد، که تا مکه (٤٢٠) کیلومتر فاصله دارد، و در حال حاضر آن را أبیار علی ﷺ می‌نامند.

الجحفه:

قریه‌ای نزدیک به شهر رابغ است، در حال حاضر مردم از رابغ نیت می‌کنند، چون کمی قبل از جحفه می‌باشد، و تا مکه (٢٨٠) کیلومتر فاصله دارد، و آنهم میقات اهل شام

و مصر و شهرهای شمالی عربستان سـعودی، و کـشورهای آفریقـای شـمالی و غربـی، و کسانیکه از آن راه بروند می‌باشد.

قرن المنازل:

آنرا سیل الکبیر می‌نامند، و تا مکـه (۷۸) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل نجد، تمامی اهالی شـرق عربـستان(شـیخ نـشینان خلیج)، عراق، ایران، و کسانی است که از آن راه می‌روند، و در حال حاضر مقابل و برابـر آن (وادی محرم) که در جاده (الهدا) غربـی شهر طائف، که تا مکه (۷۵) کیلومتر فاصله دارد، میقات اهل طائف، و کسانی است که

از آن راه مـی‌رونـد و در حقیقـت میقـات مستقلی نیست.

یلملم:

در حال حاضر (السعدیه) نـام دارد، و تـا مکه (۱۲۰) کیلومتر فاصله دارد، و آنجا میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه می‌روند.

ذات عرق:

میقـات اهـل عـراق و سـاکنان مـشرق عربستان است، در حال حاضر بـسبب عـدم وجود راه بسوی آن مهجور مـی‌باشـد، و تـا مکه(۱۰۰) کیلومتر فاصـله دارد، و در حـال حاضر مردم از سیل کبیر، و یا از ذو الحلیفـه

نیت (احرام) می‌بندند.

اما ساکنان مکّه برای ادای حج از خانه‌های‌شان، و برای عمره از تنعیم[۳]، یا هر جایی خارج از حدود حرم نیت می‌کنند.

هرکس قبل از این میقات‌ها سکونت داشته باشد، مانند: ساکنان شهر جده، بحره، شرائع، و غیر از اینها، برای حج و عمره از خانه‌های‌شان نیت می‌کنند.

بر هر مسلمانی که قصد حج دارد و بر این میقاتها عبور می‌کند واجب است که از آنجا احرام و نیت ببندد، و اگر از آن عبور

(۳) تنعیم: در حال حاضر آنرا مسجد عایشه رضي الله عنها گویند.

کرد و قصد حج را داشت و نیت نکرد، واجب است که به آن میقات برگشته و نیت کند، اگر اینکار را نکرد، فدیه بر او واجب می‌شود، و آن گوسفندی است که باید در مکّه ذبح شود و بین فقرای حرم توزیع گردد، و هرکس در حالت فراموشی و یا در حال خواب از میقات عبور کرده و نیت نکرد، هرگاه به یادش آمد واجب است که به میقات برگردد، و اگر این کار را نکند ـ چنانکه گذشت ـ بر او فدیه واجب است.

اعمالی که حاج و معتمر در میقات انجام می‌دهد

برادر مسلمان! هرگاه از راه ماشین و غیره به میقات رسیدی، سنت است که غسل کرده، تمامی بدن خود را معطر، و اگر میسر شد ناخن‌های خود را کوتاه کن، سپس لباس احرام بپوش (دو عدد ازار و رداء سفید و بهتر است که نو، و یا نظیف و پاک باشد).

واجب است که لباس احرام بدون عطر و بوی خوش باشد در غیر این صورت باید عطر و بوی خوش آن شسته شود.

زن لباس معین و سنتی ندارد، بلکه هر

لباسی که خواست می‌پوشد، لکن لباسی محتشم (بدون زینت) می‌پوشد، و از اسباب فتنه خودداری می‌کند، و زن اگر بر مردان (غیر محرم) عبور می‌کند عطر و بو خوشی استعمال نمی‌کند.

برادر مسلمان! مستحب است که بستن احرام و نیت، بعد از یکی از نمازهای فریضه باشد، و اگر در غیر وقت نماز فریضه بود، دو رکعت نماز سنت وضوء را ادا می‌کنی.

اگر از تمامی اینها فارغ شدی نیت کرده و می‌گوئی: **لبيك عمرة**،اگر متمتع باشی، و یا می‌گویی **لبيك عمرة وحجاً**،اگر قارن

باشی، و یا می‌گویی لبیک حجاً اگر مفرد باشی، سپس تلبیه می‌گوئی چنانکه رسول الله ﷺ گفتند: (لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك، إنَّ الحمد و النعمة لك والملك، لا شريك لك). [متفق عليه].

[گوش بفرمانم، ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، گوش بفرمانم، همانا ستایش و نعمت و سلطنت از آن تو است و تو شریکی نداری].

ای برادر و خواهر مسلمان! اگر قدوم تو از طریق دریا، و یا هواپیما بیایی، معمولاً خلبان و ناخدا هنگام نزدیک شدن به میقات مردم را

آگاه می‌کند، تا بـرای بـستن احـرام و نیـت کردن آماده شوند، و هرگاه به مقابل میقـات رسیدند نیت حج می‌کنند، چنان که قبلاً ذکر کردیم.

و هیچ اشکالی ندارد که در این حال قبل از خارج شدن از خانه لباس احرام پوشـیده شود، و به هواپیما و یا کشتی سوار شوید، و هرگاه به مقابل میقات رسیدید نیت دخول به نسک کرده و تلبیه بگوئید.

و باید حاج بسیار تلبیه بگوید، و صـدای خود را با گفتن آن بلند کند، ولی زن صدای خود را بلند نمی‌کند، بلکـه بـا خـود تلبیـه

می‌گوید، به اندازه‌ای کــه خــود و اطرافیــان خود بشنوند، و همچنان تلبیه مــی‌گویــد تــا اینکه طواف عمره را شروع نمایــد. و بــرای حاج تا اینکه جمــرة العقبــه را در روز عیــد رمی کند.

محظورات احرام

برادر حاج! داخل شدن تو در منسک حج و عمره چیزهائی بر تو حرام می‌گرداند که آنرا محظورات احرام می‌نمانند، که عبارتند از:

۱ ـ از بین بردن مو با تراشیدن و یا غیره، کوتاه کردن ناخن‌های دست و پا، و اگر محرم احتیاج داشت جایز است سر خود را بخاراند، و اگر موئی بدون قصد یا بطور فراموشی و یا بطور نادانی از سرش افتاد، چیزی بر او واجب نیست.

۲ ـ عطر در لباس و یا در بدن و غیره استعمال نمی‌کند، اما عطری که قبل از نیت

در بدن و سر خود استعمال کرده بود، ماندن آن بعد از احرام اشکالی ندارد.

۳ ـ محرم با زن خود نزدیکی و همبستر نمی‌شود، و با شهوت مباشرت نمی‌کند، و او را بوسه نمی‌دهد، و با شهوت به او نمی‌نگرد، و محرم خواستگاری نمی‌کند، و عقد نکاح چه برای خود و چه برای دیگران انجام نمی‌دهد، تا هنگامیکه محرم است.

٤ ـ محرم دستکش نمی‌پوشد.

٥ ـ محرم از کشتن حیوان یا اذیت و کمک به صید چیزی منع شده است، مانند: خرگوش، کبوتر و اگر صید داخل حدود

حرم باشد بر همه کس چه محرم یا غیر محرم حرام است.

٦ ـ بر مـرد پوشـیدن قمـیص(جامـه) یـا هرگونه دوختنی بر تمامی جسم، و یا بر بعضی از آن حرام است، مانند: زیـر شـلوار، پیـراهن داخلی، عمامه، کلاه، و موزه، ولی اگـر کـسی احرامی ندارد، یـا فرامـوش کـرده بـود و در هواپیما بود، هر لباسی را بصورت ازار بپوشـد، و اگر پیدا نکرد زیر شلوار می‌پوشد، و همچنین اگر نعلین پیدا نکرد، موزه(خف) مـی‌پوشـد، و إن شاء الله هیچ اشکالی در آن نیست.

و محرم می‌تواند هر نعالی که احتیاج داشته

باشد بپوشد، و همچنین ساعت مچی، انگشتر، عینک، گوشی و کمربندی که پول و چیزهای دیگر در آن نگه می‌دارد اشکالی ندارد.

٧ ـ بر مرد محرم پوشیدن سر با چیزی که به آن چسپیده باشد مانند احرامی، و عمامه و غتره (دستمال)، و کلاه حرام است.

ولی اگر چتر، یا خیمه، یا سقف ماشین، یا امتعهٔ خود را بر بالای سر حمل کند، اشکالی ندارد، و اگر محرم سر خود را از روی فراموشی و یا جاهلانه پوشید، در حال تذکر باید آنرا از سر بردارد، و هیچ چیزی بر او واجب نمی‌شود.

۸ ـ بر زن محرم حرام است که دستکش بپوشد، و چهره خود را با نقاب(روبند) پوشیده و چشمهایش را باز کند، همه اینها در وقت احرام حرام است، بلکه بر زن واجب است که صورت خود را با روپوش شرعی(اسلامی) در حال عبور بر مردها، یا عبور مردها بر او در تمامی حالتها ؛ چه در حالت احرام و چه در غیر آن، بپوشاند.

کندن و بریدن درختان و گیاهان(کاشته نشده) حرم بر محرم و غیر محرم حرام است، و هر چیزی که در حرم پیدا شود نباید برداشت مگر برای معرفی کردن آن.

برادر ممکن است احتیاج به تغییـر لباس احرام و یا پاک کردن آن، و یا شستن سر و بدن خود داشته باشی، هیچ اشکالی در اینها نیست، اگر هم موئی بدون عمد افتاد بر تو چیزی واجب نمی‌شود.

حاج گرامی! هنگام داخل شدن در نسک بر تو واجب می‌شود که از گناهان دوری کنی، و ذکر خدا و تلبیه را بسیار بگوئی، و از غیبت و عیب‌جوئی، و سخن‌چینی، و دعوا که بسیار میان بعضی از مردم رخ می‌دهد ـ خدا آنها را هدایت کند ـ و حج و عمره را فاسد می‌کند برحذر باش.

همچنین بر تو واجب است کــه چــشمان خویش را فرو گیری، و گوش خــویش را از شنیدن حرام نگه داری، و بــه ســوی خــدای خود توجه کنی، و تلبیه را ادامه داده و ذکــر و یاد خدا کرده و قرآن تلاوت نمایی، فقــط به عبادت و ذکر خدا مشغول بــاش، از خــدا برای تو خواهان قبول و یــاری هــستیم، و از خــدا بهتــرین اعمــال و بهتــرین حاجــات خواهانیم.

دخول مكه و مسجد الحرام

برادر و خواهر مسلمان! رسول الله ﷺ وقتی به مکه مکرمه رسیدند غسل نمودند. [متفق علیه]، پس هنگام رسیدن به مکّهٔ مکرمه غسل نمودن سنت است، و نزدیک حرم اماکن بسیاری برای وضوء و غسل آماده شده است، از خدا خواهانیم اجر کسیکه به این اماکن امر کرده تا برای میهمانان خانه خدا آماده شود در ترازوی اعمال نیک او قرار دهد.

بعد از آن برای انجام ادای عمره به مسجد الحرام رفته به سوی کعبه متوجه

می‌شوی در حالیکه تلبیه می گوئی.

در حال دخول به مسجد الحرام پای راست خود را جلو گذاشته و می گوئی: «بسم الله والصلاة [ابن السني وصححه الألباني] والسلام على رسول الله، اللهم افتح لي أبواب رحمتك [مسلم]، أعوذ بالله العظيم، ووجهه الكريم، وسلطانه القديم، من الشيطان الرجيم». [أبوداود، وصححه الألباني].

[به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا، به خداوند بزرگ و وجه و روی گرامی، و قدرت قدیم و و ازلی او، از بدی شیطان رانده شده پناه می‌برم].

و این دعا در هنگام دخول همهٔ مساجد گفته می‌شود.

سپس بسوی کعبه رفته تا طواف عمره را شروع کنی، و واجب است که با وضوء باشی، و بر مرد سنت است که احرام خود را بطور (اضطباع)(٤) تا آخر طواف بپوشد، یعنی وسط رادء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آنرا بر شانه چپ قرار دهد.

و تلبیه با شروع به طواف قطع می‌شود.

---

(٤) اضطباع: یعنی وسط رادء را زیر بغل راست کرده و شانه خود را آشکار نماید، و دو طرف آن را بر شانه چپ قرار دهد. رداء همان احرامی است که حاج بر بدن می پوشد.

طواف عمره

توصیف طواف عمره: بـه حجـر الأسـود آمده و با دست راسـت آن را گرفتـه بوسـه دهد، و اگر استلام[۵] آن میسر نشد با دسـت راست بسوی آن اشاره کـرده و لازم نیـست دسـت خـود را بوسـید، و مـی‌گویـد: الله أكبر[بخاری]، اگر بگوید بـسم الله، والله أكبـر بهتر است [موقوف بر ابن عمر، رواه البیهقـی۷۹/۵، وابن حجر: التلخیص الحبیر ۲۴۷/۲، با سند صحیح]، و در آغاز طواف گفـتن ایـن دعـا مـستحب

---

(۵) استلام: دست کشیدن به چیزی، استلام حجر: دست مالیدن به حجر الأسود در ضمن مناسک حج. (فرهنگ فارسی عمید).

است: «اللهم إيماناً بك، وتصديقاً بكتابك، ووفاءً بعهدك، واتباعاً لسنة نبيك محمد ﷺ». [منبع سابق].

[بار الهی! با ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو (قرآن)، و وفا نمودن به عهد و پیمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو محمد ﷺ شروع می‌کنم].

برای عمره‌کننده بهتر این است که مزاحم مردم نشود، و آنها را هُل ندهد، و آنها را کتک نزد و دشنام ندهد و آزار و اذیت نکند، چون اینها اشتباهاتی است که با آن هیبت و عظمت عبادت از بین می‌رود.

سپس طواف را هفت شوط[٦] از نزد حجر الأسود شروع کرده، کعبه را بر دست چپ خود قرار دهد، استغفارکنان و دعاکنان به هر چه بخواهد، و یا تلاوت قرآن، همه اینها بدون بلند کردن صدا باشد، نه چنانچه بعضی از مردم آنرا انجام می‌دهند و صدای خود را بلند می‌کنند، چون این باعث تشویش برادران دیگر می‌شود.

اگر به رکن الیمانی رسیدی و گرفتن آن

(٦) شوط: هر بار که شخص دور کعبه طواف کند(فرهنگ فارسی عمید)، همچنین هر بار رفتن از کوه صفا به کوه مروه یک شوط، و از کوه مروه و به کوه صفا یک شوط(مترجم).

میسر شد، با دست راست آنرا بگیـر، ولـی آنرا نبوس و بـه آن مـسح مکـن، چنانچـه بعضی مردم انجام می‌دهند، چـون ایـن از رسول الله ﷺ وارد نشده است، و اینـرا در هر شوط از طواف انجام می‌دهـی، و اگـر گرفتن رکن الیمانی میسر نشد بدون اشاره و بدون گفتن تکبیر عبور کن.

سنت است که بین رکن الیمانی و حجـر الأسود ایـن دعـا را بگـوئی: ﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴾.

[پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ، نجات ده].

و همچنین هفت دور را با شروع از حجر الأسود و با انتهای به آن انجام دهد، و با عبور به حجر الأسود آنرا گرفته و می‌بوسد، و می‌گوید: الله أكبر، و اگر گرفتن و بوسیدن آن میسر نشد، وقتی به مقابل آن رسید با دست راست به آن اشاره کرده و یکبار تکبیر می‌گوید.

در سه شوط اول طواف قدوم کمی تندتر راه برود، که آنرا الرمل[٧] گویند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد، چون سنت است.

---

(٧) الرَّمَل: یعنی کمی دویدن با نزدیکی پاها (مترجم).

برادر مسلمان! اگر طواف را به پایان بردی، شانه‌ات را بپوشان، و سنت است که اگر میسر شد دو رکعت نماز به صورت کوتاه، در پشت مقام ابراهیم ادا کنی، و اگر بسبب ازدحام پشت مقام ابراهیم میسر نشد، در هر جا از حرم آن را ادا کن، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره کافرون ﴿ قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴾ و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره اخلاص ﴿ قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ﴾ خوانده می‌شود، و اگر غیر از این دو سوره خوانده شد اشکالی ندارد.

بدان که رسول الله ﷺ هنگام پایان بردن طواف به چاه زمزم رفتــه و از آن نوشــیدند، پس مستحب است هرگاه از طــواف فراغــت یافتی به چاه زمزم رفته و از آب آن بنوشــی، یا از کلمن‌های مخصوص آب زمزم بنوشی.

و اگر میسر شد به حجر الأسود برگشته و آنرا استلام کنی، و اگر جمعیت زیــاد باشــد، باید آنرا ترک کرد.

بعضی از اشتباهات و خطاها در اثنای طواف

❁ بعضی از حجاج هنگام طواف اشتباهاتی انجام می‌دهند که باید از آن برحذر بود:

❁ بعضی از طواف‌کنندگان به داخل حجر اسماعیل عليه السلام رفته، ولی قول صحیح این است که طواف داخل حجر اسماعیل عليه السلام باطل است، و هرکس اینرا انجام داد باید به اندازه هر شوط آنرا اعاده کند، چون حجر اسماعیل عليه السلام جزوی از کعبه است، ومسلمان مأمور است تا دور کعبه را طواف

کند نه داخل آن را.

❁ بعضی از طواف‌کنندگان نه تنها تمامی ارکان و نبش کعبه، بلکه به تمامی دیوارهای کعبه، و مقام ابراهیم عليه السلام دست کشیده و مسح می‌کنند، و رسول الله ﷺ غیر از حجر الأسود و رکن الیمانی چیز دیگری را استلام نکردند.

❁ بعضی‌ها در اثنای طواف صدای خود را بلند می‌کنند، و مزاحم برادران دیگران می‌شوند، و همچنین برای بوسیدن حجر الأسود و نماز خواندن پشت مقام ابراهیم، و در بعضی وقتها برای بوسیدن آن دعوا و مخاصمه می‌شود، و این درست نیست، و

میان زنان و مردان اختلاط بوجود می‌اید، و این فتنه و اذیت مسلمانان است، و زدن و دشنام به دیگران جایز نیست، و باید اخلاق انسان در مقابل اشتباهات دیگران و اساءت آنان در این جا گذشت و بخشش باشد.

❁ بعضی‌ها برای هر شوط دعای ویژه‌ای از کتابهای خاصی می‌خوانند، که این یک نوع بدعت بشمار می‌رود، و از رسول الله ﷺ هیچ دعائی بجز ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ که بین رکن الیمانی و حجر الأسود گفته

می‌شود، چیز دیگری وارد نشده است.

و از پیروی رسول اکرم ﷺ این است که هیچ دعای خاصی در شوط اول تا شوط هفتم نخوانی، و در آخر این کتاب چند دعای برگزیده از قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ آورده‌ایم تا با آن‌ها دعا کنی و تو را از خواندن دعاهای دیگر بی‌نیاز می‌کند.

سعی عمره

ای برادر! سپس به سوی صفا و مروه متوجه می‌شوی، و آنهم دو کوهی است که هاجر همسر إبراهیم عليه السلام هنگامی که تشنگی بر پسرش اسماعیل عليه السلام شدت گرفت بر آن بالا رفت تا دنبال آبی بگردد، و از صفا پائین آمده و کمی راه رفته سپس کمی دویده، سپس باز راه رفته تا اینکه به کوه مروه می‌رسید، و از آن بالا می‌رفت، تا کسی را پیدا کند و آب برای خود و پسرش بیاورد، تا اینکه خدا فرج آورد و آب از نزد اسماعیل عليه السلام بیرون آمد.

برادر عمره‌کننده! اگر به کوه صفا نزدیک شدی این آیه را تلاوت کن: ﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقره :١٥٨].

این آیه را در وقت نزدیک شدن به کوه صفا قبل از بالا رفتن تلاوت می‌کنی، و غیر از اینجا بدایت شوط اول در جای دیگر تلاوت نمی‌شود، و در هر شوط تکرار نمی‌شود، سپس به کوه صفا بالا برو، و لازم نیست تا آخر کوه بالا روی، بلکه کمی از آن

کافی است تا اینکه زمین هموار شود، سپس به سوی کعبه متوجه شده بگو: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده».

الله بزرگ است (سه بار)، به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر هر چیز توانا است، بجز او معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که

وعـده‌اش را تحقق بخشيد، و بنده‌اش را پيروز كرد، و به تنهايى گروه‌ها را شكست داد.

اين ذكر را سه بار تكرار كرده و بين آنها از خير دنيا و آخرت بـراى خـود و ديگـران مى‌خواهى، و اگر از سه بار كمتـر باشـد إن شاء الله اشكالى ندارد.

و دست خود را بلند مكن مگر در حـال دعا، و در حال تكبير لازم نيـست آنـرا بلنـد كرد.

سپس از كوه صفا پايين آمده به طـرف كوه مروه بطور عادى راه رفته، خدا را يـاد كرده و براى خود و اهل و برادران مسلمان

دعا می‌کنی وقتی که به اولین نشان سبز رنگ رسیدی، در اینحال کمی دویده تا به نشان دوم برسی، تا آنجائی می‌توانی، سپس راه رفته تا به کوه مروه برسی، و هنگام رسیدن به کوه مروه بالا رفته رو به قبله می‌کنی، و آنچه را که در کوه صفا انجام دادی آنرا تکرار می‌کنی آنهم عبارتست از: سه بار: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده»، و بین آنها دعا می‌کنی.

سپس رفته تا اینکه به نشان سبز برسی، و همچنان که ذکر شد انجام می‌دهد تا به کـوه صفا برسد.

و همینطور سعی را هفت بار انجام بدهد و شوط هفتم باید به کوه مروه پایان یابد، هر بار که از کوه صفا به مروه رفت، یک شوط، و از کوه مروه به صفا، یک شـوط بحـساب می‌رود.

آرام راه رفـتن در ابتـدای سـعی اشـکالی ندارد، و اگر خسته شدی استراحت کـن، و یـا با گاری آنرا بپایان برسان، اگر وقت نماز رسید و در سـعی بـودی، نمـازت را ادا کـن و از

همانجا که سعی را قطع کرده‌ای آنرا ادامه می‌دهی.

و در اثنای سعی مستحب است که انسان وضوء داشته باشد، و اگر سعی کرد و در حال طهارت نبود، سعی او صحیح است، همچنین زن اگر حیض داشت یا نفاس بود، سعی او درست است، چون در سعی طهارت شرط نیست، بلکه مستحب است.

آخرین اعمال عمره

برادر مسلمان! بعد از هفت شوط سعی که از کوه صفا شروع شده بود و در کوه مروه به پایان رسید، موی سر خود را تیغ می‌زنی، اگر نسک تو متمتع بـود، و وقـت حـج نزدیـک نباشد، اگر برای حج وقت کـافی باشـد کـه موی سرت بلند شود، اگر وقت حج نزدیـک بود موی سر خود را کوتاه می‌کنی، و بایستی کوتاه کردن مو شامل تمامی سـر شـود، نـه مانند بعضی از مردم که فقط به کوتاه کـردن بعضی از موی سر اکتفا می‌کنند.

زن از هر زلفهٔ خود به اندازهٔ یـک بنـد

انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر مسلمان! اگر سر خود را تراشیدی و یا کوتاه کردی، چنانکه خدا امر فرموده، و رسول الله ﷺ سنت کرده است، عمره‌ات به پایان رسیده است، و نسک خود را اتمام کرده‌ای، و بعد از این همه چیز که قبل از پوشیدن احرام از محظورات احرام بر تو حرام شده بود، بر تو حلال می‌شود، و لباس خود را می‌پوشی، و عطر استعمال می‌کنی، و همسرت بر تو، و هم چنین سایر محظورات احرام بر تو حلال می‌شود.

ولی برادر حاج اگر حج تو قارن و یا مفـرد باشد موی سر خود را تراشیده یا کوتاه نمی‌کنی، بلکه در احرام خود باقی می‌مانی تـا اینکـه روز عید از احرام بیرون آمده حلال شوی.

اعمال حاج در روز ترویه (۸ ذی حجه)

روز هشتم (۸) ذی حجه بر حاج متمتع مستحب است که از محل سکونت خود قبل از زوال آفتاب احرام ببندد، و اهل مکّه اگر خواستند به حج بروند از خانه‌های‌شان احرام می‌بندند.

ولی قارن و مفرد که حلال نشده بودند آنها بر احرام خود باقی هستند.

متمتع و کسیکه بخواهد به حج برود احرام بسته همه اعمالی که نزد میقات انجام داده بود از غسل و نظافت و بوخوشی و غیره دوباره انجام می‌دهد، سپس برای حج در قلب خود

نیت کرده می‌گوید: (**لبیک حجاً**) سپس تلبیه را شروع می‌کند: «**لبیك اللهم لبیك، لبیك لا شريك لك لبيك إن الحمد والنعمة لك والملك، لا شريك لك**».

و تمامی حجاج متمتع و قارن و مفرد در این روز قبل از زوال به صحرای منی می‌روند و در آنجا نماز ظهر و عصر هر کدام را دو رکعت در وقت خود، و نماز مغرب را سه رکعت در وقت خود، و نماز عشاء دو رکعت در وقت خود، و فجر روز نهم دو رکعت می‌خوانند.

برادر حاج! مستحب است که شب عرفه در

منی صبح کنی چنانکـه رسـول الله ﷺ انجـام دادند، و وقتی نماز صبح را ادا کردی تـا طلـوع آفتاب منتظـر شـوی، و بعـد از طلـوع آفتـاب تلبیه‌گویان، و تکبیر گویـان بـه سـوی عرفـات بروی.

اعمال روز عرفه (۹) ذی حجه

روز عرفه روز مبارکی است خداوند به سبب فراوانی خیرات در ان، و نزول فرشتگان رحمت در آن روز، در قرآن به آن سوگند خورده است، هیچ وقت شیطان حقیرتر و پست‌تر از این روز دیده نشده است.

هرگاه به عرفه رسیدی مستحب است که ـ اگر برایت میسر شد ـ در درّه (وادی نمره) تا زوال آفتاب بمانی، چنانکه رسول الله ﷺ آنرا انجام دادند، و اگر میسر نشد اشکالی ندارد که در هر جای دیگر داخل حدود عرفه، ـ چنانکه با علامت‌ها و نشانه‌ها و

تابلوهای ارشادی بیان شده ـ بمانی.

پس از طلوع آفتاب، تا غـروب آفتـاب در عرفه می‌مانی، و قت خود را در تلبیه و دعـا و استغفار و ذکر خدا مـی‌گـذرانی، هنگـام زوال آفتاب و دخول وقت ظهر، بر امام سنت اسـت که خطبه‌ای شامل که بیان‌کننده همـهٔ چیـز در آن روز و روز بعدی باشد بخوانـد، و مـردم را وعظ و پند دهد و نصیحت کند، و بـه احکـام اسلام تذکر دهد، و آنچه بر مسلمان مقابل خدا و خانواده و برادران مسلمان خود واجب است بیان کند، چنانکه رسول الله ﷺ چنـین انجـام دادند.

سپس نماز ظهر و عصر را قصراً و جمعاً در وقت ظهـر بـا یـک اذان و دو اقامـه ادا می‌کند، و قبل از نماز ظهر و بین نماز ظهر و عصر و بعد از نماز عصر هیچ نمـاز دیگـری ادا نمی‌شود.

برادر حاج! و هنگامی کـه نـماز را بـه پایـان رساندی، در این لحظـات خـدا را بـسیار ذکـر کن، تا این فرصت بزرگ از تو فوت نـشود، و بسیار دعا و ذکر خدا و تسبیح و تحمید و تهلیل و توبه و استغفار کن، تا اینکـه آفتـاب غـروب کند، و در حال دعا کردن دو دست خود را بلند

کن در حالی که رویت به قبله است، و در حالی که در خضوع و خشوع و فروتنی باشی، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «خير الدعاء دعاء يوم عرفة، وخير ما قلت أنا والنبيون من قبلي: لا إله إلاّ الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير».

بهترین دعا دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لا إله إلاّ الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير».

[الترمذي، وحسنه الألباني في صحيح الترمذي ١٨٤/٣].

هیچ معبودی بجز الله بحق وجود نـدارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمـد از آنِ اوست، و او بر هر چیز تواناست.

و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواه.

و از اعمالی که اجر و ثـواب را در ایـن موقف بزرگ از بین می‌برد بر حذر باش.

اشتباهاتی که در روز عرفه رخ می‌دهد

بعضی از حجاج در روز عرفه اشتباهاتی انجام می‌دهند و ما آنرا ذکر می‌کنیم تا از آن برحذر باشی.

۱ ـ بعضی از حجاج خارج از حدود عرفه می‌نشینند، در حالیکه با نشانه‌ها حدود آن معین شده است، آنها ارشاد و راهنمائی می‌شوند، ولی چون عجله دارند تا از عرفه بیرون روند قبول نمی‌کنند، و این رکن بزرگ را از بین می‌برند، رسول الله ﷺ می فرماید: «الحج عرفة». [أبوداود والترمذی].

حج همان روز عرفه و نزول در عرفه

است.

۲ ـ بعضی از حجاج برای رسیدن به جبل‌الرحمه خود را به زحمت می‌اندازند، و خود را به کوه و سنگ‌های آن می‌مالند و معتقدند که برای آن ویژگی خاصی است، در حالیکه این یک نوع بدعت است باید از آن اجتناب ورزید، و برای حاج کافی است که داخل حدود عرفه در هر جا که باشد بایستد.

۳ ـ بسیاری از حجاج در روز عرفه به شوخی و خنده و سخنانی بی‌فایده مشغول می‌شوند، و ذکر خدا و دعا و استغفار را در

این موقف بزرگ ترک می‌کنند.

٤ ـ بعضی از حجاج در حال دعا کردن رو به کوه کرده و قبله را پشت سر خود، یا در دست راست، یا دست چپ خود قرار می‌دهند، ولی سنت این است که اگر میسر شد کوه را بین خود و بین قبله قرار داد، و اگر میسر نشد ـ غالباً چنین خواهد بود ـ بسبب ازدحام زیاد ـ سنت این است که در حال دعا رو به قبله کند، اگر کوه جلو حاج نباشد.

٥ ـ بعضی از حجاج قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج می‌شوند، و این جایز

نیست، و باید حاج از عرفات خارج نشود تا اینکه آفتاب غروب کند، تأسی و اقتدا به رسول الله ﷺ کند چنانکه فرمودند: «خذوا عنی مناسککم».

مناسک خود را از من بیاموزید.

۶ ـ بعضی از حجاج در خروج از عرفه عجله کرده و تلبیه را فراموش می‌کنند، و تمام تلاش او این است که هر چه زودتر به مزدلفه برسد، و اولی و افضل این است که با سکونت و وقار رفته و در جایی که ازدحام نیست، عجله کند، و در مکان ازدحام با آرامش راه برود، و تلبیه بگوید.

ماندن شب در مزدلفه:

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حجاج بسوی مزدلفه بحرکت در می‌ایند، و اولین چیزی که حاج باید وقت رسیدن به مزدلفه انجام دهد ادای نماز مغرب با عشاء جمع و قصر(سه رکعت نماز مغرب و دو رکعت نماز عشاء) است، و آن شب را در مزدلفه بماند، و حریص باش تا زود بخوابی تا هنگام برخواستن برای ادای بقیه مناسک حج روز عید زرنگ و نشیط باشی.

پس هرگاه که صبح طلوع کرد دو رکعت نماز صبح خوانده سپس بسوی مشعر الحرام

که کوهی در مزدلفه است رفته و نزد آن بایست و در حال حاضر نزد آن کوه مسجدی بنا شده است، و یا در هر جای دیگر از مزدلفه رو به قبله ایستاده و دعا کن و تکبیر و تهلیل و کلمه توحید را بگو و دست خود را بلند کرده بسیار دعا کن، و همچنان دعا را ادامه بده تا اینکه هوا کاملاً روشن شود.

و هرگاه کاملاً صبح روشن شد، قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منی حرکت کن، اگر میسر باشد.

سنت است که فقط هفت سنگریزه برای رمی جمرۀ العقبه روز عید از مزدلفه جمع کنی،

ولی بقیهٔ سنگریزه‌ها از منی جمع مـی‌شـود، این بهتر است، و از هر جا کـه سـنگریزه‌هـا برداشته شود جایز است، اما بسیاری از مردم معتقدند که باید سنگریزه‌ها از مزدلفـه جمـع شود، و این اعتقاد صحیح نیست، بلکه از هر دو جا (مزدلفه و منی) جایز است.

و این سنگریزه‌ها از دانـهٔ نخـود کمـی بزرگتر است، و رسول اکـرم ﷺ از غلـو و زیاده روی در دین، و از اینکـه حجـم ایـن سنگریزه‌ها بزرگ باشد نهی فرموده‌اند.

[النسائی، وابن ماجه، وأحمد وغیرهم، وصححه الألبانی].

و هرگاه سنگریزه‌ها را از مزدلفه جمع کردی با رعایت بسوی مزدلفه برو، و بسیار تلبیه بگو، و مستحب است هرگاه به وادی محسّر، که درّه‌ای بین مزدلفه و منی است رسیدی در سیر و حرکت خود تند بروی، ولی بدون اذیت و آزار دیگران، چنان که رسول الله ﷺ آنرا انجام دادند، [مسلم].

و رسول الله ﷺ برای زنان و بچه‌ها در شب مزدلفه رخصت داده تا آخر شب بعد از ناپدید شدن مهتاب برای رمی جمره العقبه از مزدلفه به منی بروند. در حالیکه ربع شب و یا نزدیک به ربع آن باقی مانده است.

[روایت بخاری، ومسلم، ودیگری روایت أبو داود ونسائی].

و این حکم خاص و ویژه بـه اینهاسـت، اما مردانی که تحمل زحمت دارند، بـر آنهـا واجب است که بعد از طلوع آفتـاب جمـره العقبه را رمی کنند، تا اینکـه بـه رسـول الله ﷺ .تأسی و اقتداء کرده باشند.

❁❁❁❁❁❁❁

اعمال روز (۱۰) ذی حجه (روز عید).

روز دهم ذی حجه، روز عیــد مــسلمانان در تمامی دنیای اســلام اســت، بــا ســرور و مسرت و خوشحالی آنرا استقبال می‌کننــد، و آن روز حج أکبــر اســت، چــون بــسیاری از اعمال حج در آن رخ می‌دهــد ماننــد: رمــی، ذبح هدی، تراشیدن سر، طواف کعبه، و سعی بین صفا و مروه.

برادر حاج! هرگاه صبح روز عید به منــی رسیدی چهار عمــل انجــام مــی‌دهــی کــه عبارتند از:

١ ـ بسوی جمرة العقبه که آخرین جمره بطرف مکّه است رفته، و در آنجا تلبیه را قطع کرده، و منی را در دست راست خود قرار ده، و قبله را در دست چپ، و جمره را مقابل خود و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کرده، و با پرتاپ هر سنگریزه تکبیر بگو.

و این تنها جمره‌ای است که روز عید رمی می‌شود، اما بقیه روزها رمی جمره‌ها بعد از زوال آفتاب خواهد بود.

و جایز نیست که بیشتر و یا کمتر از هفت سنگریزه جمره را رمی کنی، و از غلو

بر حذر باش، چون بعضی از حجاج با سنگ‌های بزرگ، با کفش و غیره آن را رمی می‌کنند، و از مزاحمت، و زد و خورد، و آزار و اذیت برادران مسلمان برای رمی جمره بر حذر باش، چون خداوند عبادت و طاعت خود را با اذیت و آزار برادران مسلمان قرار نداده است.

و از افعالی که بعضی مردم انجام می‌دهند بر حذر باش، آنهم اینکه یکبار همهٔ سنگریزه‌ها را یکدفعه پرتاب می‌کنند، و هر کس اینکار را کرد مانند این است که فقط یک سنگریزه پرتاب کرده است، و باید سنگریزه‌های اطراف

خود را جمع کرده و بقیهٔ هفت بار را تکمیل کند، و همچنین کسی که چیزی از سنگریزه‌ها را گم کرد از اطراف خود سنگریزه را جمع می‌کند، اگر هم نزدیک جمره‌ها باشد.

و همچنین از افعال بعضی از مردم نیز بر حذر باش، که هنگام پرتاب کردن سنگریزه بسوی جمره‌ها صدای خود را بلند کرده و فحش و دشنام می‌دهند معتقدند که شیطان را رمی می‌کنند، و این اعتقاد باطل است، زیرا جمرات بایستی با فروتنی و آرامش و با ذکر خدا و دعا پرتاب شوند، و خداوند رمی جمرات را برای برپا داشتن ذکر و یاد خود

شرع نموده است.

باید حاج در پرتـاب جمـرات مواظـب باشد چون بعضی از حجاج سـتون را رمـی می‌کنند، در حالیکه بایـستی سـنگریزه‌هـا در حوض بیفتد، چـون ممکـن اسـت در حـال پرتاب ستون، سنگریزه خارج از حوض بیفتد که این از اشتباهات حجاج بشمار می‌رود، و مقصود از پرتاب کردن، افتادنِ سنگریزه‌ها در حوض است، نه خوردن و اصابت کردن آنها به ستون.

۲ ـ اگر از رمی جمره فارغ شدی، و حج متمتع و یا قارن بودی، هدی را ذبح کن، و از

آن گوشت بخور و به فقراء صدقه کن، و به کسانی که دوست داری هدیه کن، حال چه ذبح در منی باشد که بهتر است، یا در مکه باشد، و خارج از حدود (مرز) مکه ذبح نمی‌شود.

٣ ـ و هرگاه از ذبح هدی فارغ شدی، موی سر خود را کوتاه کن و بهتر این است که آنرا با تیغ بزنی، چون رسول الله ﷺ برای کسیکه موی خود را تیغ می‌زند سه بار دعای مغفرت کردند، و فرمودند: «اللهم اغفر للمحلقين، اللهم اغفر للمحلقين، اللهم اغفر للمحلقين». ثم دعا للمقصرين مرة واحدة.

[البخاری ومسلم].

پروردگارا! حلق کنندگان(کسانی که موی سر را تیغ می‌زنند) مورد بخشش قرار بده، و سه بار آنرا تکرار کرد، سپس برای کسانی که موی سر را کوتاه می‌کنند یکبار دعا کرد.

و زن از هر زلفهٔ خود به اندازهٔ یک بند انگشت موی خود را کوتاه می‌کند.

برادر حاج! اگر جمرة العقبه رمی کردی، و موی سر را تیغ زده و یا کوتاه نمودی، همه چیز بر تو حلال خواهد شد، مگر نزدیکی بـا زن، و اینرا تحلل اول می‌نامند.

و در اینحال سنت است که خود را تمیز

کرده و عطـر زده و بهتـرین لبـاس‌هایـت را بپوشی.

٤ ـ برادر حاج! هرگاه از رمـی جمـره و ذبح هدی، و تیغ زدن سر و یا کوتـاه کـردن آن فارغ شدی بسوی مکه رفته و طواف کـن که آنرا طواف الإفاضه و یـا طـواف زیـارت گویند، و صفت آن همانند طواف عمره و یـا طواف قدوم که قبلاً ذکر شد می‌باشد، ولـی در آن الرمل (یعنی کمی دویدن بـا نزدیکـی پاها)، و اضـطباع وجـود نـدارد، و طـواف می‌کنی در حالیکه با وضـو هـستی و لبـاس خود را پوشیده‌ای، و هنگامی کـه از طـواف

فارغ شدی اگر امکان‌پذیر بـود پـشت مقـام
إبـراهیم علیه السلام دو رکعـت نمـاز بخـوان، در
حالیکه در این وقت بر حاج مشکل است که
پشت مقام إبراهیم علیه السلام نماز بخوانـد، آنهـم
بسبب شلوغی و ازدحام شـدید، پـس بهتـر
است که از مقام دور شود تا نه به مردم اذیت
رساند، و نه مردم او را اذیت و آزار دهند، و
از آب زمـزم بنـوش همچنانکـه قـبلاً ذکـر
کردیم، سپس بسوی کوه صفا رفتـه و هفـت
بار بین صفا و مروه سـعی کـن، چنانکـه در
صفت عمره گذشت، و این سعی بر شـخص
متمتع واجب است، چون سعی اول او بـرای

عمره بود، و این سعی برای حج اوست.

ولی بر شخص قارن و مفرد، فقط یک سعی واجب است، پس اگر در طوافِ قدوم سعی کرده است برای او از سعی افاضه کافی است و لازم نیست دوباره سعی کند، و اگر قارن و مفرد در قدوم خود سعی نکرده‌اند سعی بر ایشان واجب می‌شود.

جایز است که طواف إفاضه را یک و یا دو روز به تأخیر اندازی، یا اینکه آنرا در پایان مناسک حج و هنگام خروج از مکّه با طواف وداع انجام دهی، و یک سعی انجام می‌شود.

برادر حاج! اگر جمـرۀ العقبـه را رمـی کردی، و موی خود را تیغ زده و یا کوتـاه کردی، و طواف افاضـه را انجـام دادی، و سعی برای کسی کـه سـعی بـر او واجـب است انجام داد، همه چیز حتـی زن بـر او حلال می‌شود، و این را تحلل دوم می‌نامند.

بهتر است که برادر حاج این چهار چیـز را بطور ترتیب چنانکه وارد شده انجام دهـد، اول رمی جمرۀ العقبه، سپس ذبح هـدی، بعـد تیـغ زدن مو و یا کوتاه کردن آن، سـپس طـواف، و بعد از آن سعی برای متمتع، و شخص قـارن و مفردی که با طواف قدوم سعی نکرده باشد.

این چنین رسول الله ﷺ در حجه الـوداع انجام دادند.

ولی اگر چیزی بر چیز دیگر تقدیم و یـا تاخیر افتاد هیچ اشکالی ندارد و إن شـاء الله حج صحیح است.

چون یاران از رسـول اکـرم ﷺ در روز عید پرسش می‌کردند که تیغ زدن را بر ذبـح هدی تقدیم داشته، و یا طـواف را بـر رمـی جمره تقدیم داشته‌اند ... تا آخر و در جواب آنها حضرت ﷺ می‌فرمودند: «افعل ولا حرج» انجام ده که هیچ اشکالی ندارد، و این بر این دلالت می‌کند که خداوند بر بندگانش آسـان

می‌گیرد، و نشانهٔ رحمت و شفقت اوست.

خدایا سپاس برای تو است که آسان گردانیدی و راه را بر بندگان آشکار نمودی.

اعمالی که حاج در روزهای تشریق انجام می‌دهد

برادر حاج: روزهای تشریق (١١،١٢،١٣) است که روزهای خوردن وآشامیدن و ذکر و یاد خداست و روزه گرفتن در این روزها جایز نیست، مگر برای کسی که هدی پیدا نکرده باشد.

در این روزها چیزهایی بر تو واجب می‌شود که عبارتند از:

١ ـ سه شب را در منی ماندن، و یا دو شب برای کسیکه عجله داشته باشد، واجب آن است که بیشتر شب را در منی بماند،

چه از اول شب، و چه از آخر آن، ولی بهتر آن است که تمامی شب را در منی بماند و از آن خارج نشود، چه در شب و یا در روز، مگر برای غرض معینی مانند طواف و سعی، سپس به جایگاه خود در منی باز گردد.

۲ ـ رمی جمرات سه‌گانه هر روز بعد از زوال آفتاب، و اما قبل از زوال آفتاب جایز نیست، چون رسول الله ﷺ بعد از زوال رمی کردند، و اگر جایز بود برای آسان بودن به امت خود آنرا قبل از زوال انجام می‌دادند، و صفت رمی جمره‌های سه‌گانه چنین است:

أ ـ جمره اول را که نزدیک به مسجد (خیف) است شروع کرده و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی می‌کند، و با هر رمی دست خود را بلند کرده و تکبیر می‌گوید، و باید مطمئن شد که سنگریزه در حوض افتاده است، و اگر در حوض نیفتد کافی نیست، سپس بجلو رفته و کمی از شلوغی دور شده، و رو به قبله کرده و دست‌ها را بلند کرده و از خیر و خوبی دنیا و آخرت از خداوند طلب می‌کند و بسیار دعا می‌کند.

ب ـ سپس به جمره وسطی (میانه) رفته و با هفت سنگریزه پشت سر هم آنرا رمی

می‌کند، و با هر پرتابی تکبیـر گفتـه، سـپس کمی از شلوغی دور شده، رو به قبله کرده و دست خود را بلند کرده و بسیار دعا می‌کند.

ج ـ سپس بسوی جمرهٔ العقبه رفته و آنرا با هفت سنگریزه پشت سر هم رمی کـرده، و با هر پرتابی تکبیر می‌گوید، ولی بعـد از آن در اینجا دعـائی نیـست، و بایـد بعـد از آن بسوی محل اقامت رفت تا روزِ دیگر.

سـپس بایـد در روز(۱۲) بعـد از زوال آفتـاب چنانکـه در روز اول انجـام شـد جمره‌های سه‌گانه را رمی کرد.

پس اگر حاج عجله‌ای داشته باشد قبل

از غروب آفتاب روز (١٢) از منـی بـسوی مکه متوجه می‌شود تا طواف وداع را انجام دهد، و اگر خواست کـه تـأخیر کنـد، در شب(١٣) در منـی مانـده و بعـد از زوال آفتاب جمره‌های سه‌گانه را چنانکه گذشت رمی می‌کنند.

برادر حاج! سنت است که در این روزها بعد از نمازهای فرض تکبیر گفت و ذکر و یاد خدا را بسیار کرد، شب و روز و هنگام ذبح هـدی، و خوردن، و رمی جمره‌ها، و در همه حال.

طواف وداع

بعد از این که خداوند بـه آن‌هـا توفیـق ادای مناسک حج بطور کامل داد و چنان که خدا و رسول خدا ﷺ امر کرده‌انـد مناسـک حج انجام شد، اینجاست کـه کـاروان‌هـای حجاج سرزمین‌های مقدس را ترک می‌کننـد، و طواف وداع که آخرین واجبات حج است برای کسی که بخواهد از مکّـه بـسوی دیـار خود باز گردد واجب می‌شود، رسول الله ﷺ فرمودنـد: «لا ينصرفن أحدكم حتى يكون آخر عهده بالبيت». [مسلم]، هیچکس (مکّه را ترک نکند) مگر اینکه آخرین اعمال و عهد و

پیمان او طواف (کعبه) وداع باشد.

و درباره زن حائض و نفساء (زایمان) رخصت است که طواف وداع را ترک کنند، ولی غیر از این افراد ترک طواف وداع برای کسی جایز نیست.

صفت طواف وداع مانند طواف عمره است، مگر اینکه حاج با لباس خود طواف می‌کند، و در آن (رمل) و(اضطباع) سنت نیست.

برادر حاج! بعد از طواف دو رکعت نماز سنت پشت مقام إبراهیم ؛ را اداء کن، سپس از حرم خارج شده و دعای خروج از مسجد را بگو و آن هم «بسم الله والصلاة

والسلام على رسول الله، اللهم إنّي أسألك من فضلك». [مسلم وغيره].

به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! من از تو فضل و احسانت را می‌خواهم.

سپس با سلامتی و حفظ خدا به وطن خود بازگرد، اگر بعد از طواف وداع نماز فرضی آمد و یا خواستی نماز نافله‌ای بخوانی اشکالی ندارد، لیکن بایستی زیاد مکث نکنی، بکوش که طواف وداع آخرین توقف تو در مکه باشد.

زيارت مسجد رسول الله ﷺ:

برادر مسلمان! خداوند بر تو منت گذاشت و حجتش را بر تو تمام کرد، نماز در مسجد الحرام را که هر نماز در آن برابر با صدهزار نماز در مساجد دیگر است نصیب تو کرده است، از اتمام این فضیلت این است که به زیارت مسجد رسول الله ﷺ در طيبة الطيبة، مدينة المباركة مهاجر رسول الله ﷺ رفته‌ای و در آنجا نمازی که می‌خوانی هر نمازش برابر هزار نماز در مساجد دیگر می‌باشد، مگر مسجدالحرام، و شما را به چند تذکر یادآوری می‌کنیم:

۱ ـ زیارت مسجد النبوی طـاهر و پـاک هیچ ارتبـاطی بـه حـج نـدارد، پـس نـه از واجبات، و نه از ارکان حج است، و زیـارت آن در تمامی سال مستحب است، و چون در این کشور بودی سخن از زیارت آن مناسـب آمد، ولی حدیث «من حج ولم يزرني فقد جفاني» حدیث مجعول و ساختگی است و از رسول اکرم ﷺ نیست.

۲ ـ برادر زائر! هرگاه بـه مـسجد نبـوی وارد شدی مستحب است که پای راسـت را در هنگام دخول جلو بگذاری و این دعـاء را بخـــوانی: «أعـوذ بـالله العظـيم، وبوجهـه

الكريم، وسلطانه القديم، من الشيطان الرجيم، بسم الله والصلاة والسلام على رسول الله، اللهم افتح لي أبواب رحمتك». [روايت و ترجمهٔ آن گذشت].

٣ ـ دو ركعت نماز تحيه مسجد را ادا می‌كنی، مانند بقيهٔ مساجد، و هر چه خواستی دعا می‌كنی، بهتر است كه اين دو ركعت را در روضهٔ شريفه اداء كنی، و آنهم بين منبر و بين خانه پيامبر ﷺ كه در آن قبر وجود دارد، چون رسول الله ﷺ فرمودند: «ما بين بيتی ومنبري روضة من رياض الجنة، ومنبري على حوضي». [رواه البخاری ومسلم].

بین منبر و خانه‌ام باغچه‌ای از باغچه‌های بهشت است، و منبر من در روز قیامت بر حوض کوثر قرار دارد.

٤ ـ سپس ای برادر زائر به نزد قبر رسول الله ﷺ برای سلام برو، با أدب و فروتنی و با صدای آرام مقابل قبر ایستاده و چنین سلام کن: «السلام علیك أیها النبي ورحمة الله وبركاته، اللهم صل على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد». [البخاري].

[سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای محمد، بار إلها! بر محمـد و آل محمـد درود بفرست، همچنان که بر ابـراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو سـتوده و باعظمت هستی، بار إلهـا! بـر محمـد و آل محمد برکت نازل فرمـا، همچنـان کـه بـر ابراهیم و آل ابراهیم برکـت نـازل کـردی، همانا تو ستوده و باعظمت هستی].

و اگر این دعا را اضافه کنی خوب است: «أشـهد أنـك رسـول الله حقـاً، وأنـك بلغـت الرسالة، وأديت الأمانة، وجاهدت في الله حق جهاده، ونصحت الأمة، فجزاك الله عن أمتك

أفضل ما جزی نبیاً عن أمته».

گواهی می‌دهم که تو پیامبر حق بودی، و رسالت را ابلاغ کـردی، و أمانـت را ادا نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و أمت را نصیحت فرمودی، پس خدا پادش تو را بهترین پادشی که هر پیامبری از امت خود می‌دهد، عطا فرماید.

چون اینها همه از اوصاف او ﷺ می‌باشد.

سپس کمی جلو رفته و بر ابوبکر الصدیق ﷺ سلام کن، و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگـو، سـپس کمی به طرف راست جلو رفته و بر عمر بـن

الخطاب ﷺ سلام کن و آنچه مناسب دعای خوب از رحمت و مغفرت باشد برای او بگو.

٥ ـ برادر زائر! بعضی از زائرین مسجد النبوی کارهایی مخالف با تعالیم اسلام، و گفته پیامبر ﷺ انجام می‌دهند، پس از آنها بر حذر باش، چون بعضی از زائرین به سنگ‌ها و پنجره‌ها دست می‌کشند، طوری که می‌خواهند دور آنها طواف کنند، و بعضی از آنها از رسول خدا ﷺ طلب قضای حاجت و شفای مریضان می‌کنند، و مانند اینها، که هیچ کدام از اینها جایز نیست، و اگر اینها حق بود، رسول الله ﷺ انجام آن را به ما امر

می‌فرمودند، و صحابه و یاران ﷺ آن را انجـام می‌دادند.

٦ ـ برای زن، زیارت قبر رسـول الله ﷺ و دیگر قبرستانها جـایز نیـست، لـیکن زن مـسجد النبـی را زیـارت کـرده و در آن عبادت خدا می‌کند، و از مکـان خـود بـر رسـول الله ﷺ درود مـی‌فرسـتد و سـلام می‌کند، چون هر جا باشد این سلام بـه او می‌رسد.

۷ ـ برادر زائر! مادامیکه در مدینه هـستی بر مردان زیارت قبرهای بقیع، و از جمله آنها خلیفهٔ سوم عثمان بـن عفـان ﷺ، و قبرهـای

شهدای أحد، و قبر حمزه ﷺ سنت است، چون رسول الله ﷺ آنها را زیارت می‌کرده و بر ایشان دعا می‌فرمودند، و چنین می‌فرمودند: «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، وإنا إن شاء الله بكم لاحقون، يرحم الله المستقدمين منا والمستأخرين، نسأل الله لنا ولكم العافية». [مسلم].

[سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، و ما بخواست خداوند به شما خواهیم پیوست، خداوند بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید، و برای خودمان و برای شما از خداوند آرزوی سلامت و عافیت داریم].

۸ ـ برادر و خواهر زائر: از اماکنی که زیارت ان جایز است: مسجد قباء است، چون رسول الله ﷺ بطور پیاده و سواره زیارت آن می‌کردند و در آن دو رکعت نماز می‌خواندند. [البخاری ومسلم].

و در فضیلت نماز در آن از سهل بن حنیف آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: «من تطهر في بيته ثم أتى مسجد قباء فصلّى فيه كان له كأجر عمرة». [النسائی، وابن ماجه، وأحمد والحاكم، وصححه الألبانی].

هرکس در خانهٔ خود وضو بگیرد، سپس به مسجد قباء رفته و نماز بخواند، برای او مانند أجر عمره است.

برادر حاج! در پایان این کتـاب تـو را بـه چند وصیت و تذکر سفارش می‌کنیم، ممکـن است که به تو نفـع برسـاند، چـون فـضای وسیع بیت الله الحرام جایی است که به طاعت و بندگی انسان کمک کرده و او را از معصیت دور می‌دارد.

١ ـ بر ادای نمازهای پنجگانه در مـسجد الحرام حریص باش، و زود در مسجد حاضر باش، و تـا آنجـایی کـه در تـوان باشـد در خشوع و خضوع نماز کوشا باش.

٢ ـ تلاوت قرآن از بزرگترین قربات بـه خدا است، پـس برای خـود در ایـن حج و

عمره برنامه‌ای قـرار ده تـا بتـوانی بـه قـدر توانایی خود بخش‌هایی از قرآن را بخوانی.

۳ ـ نماز در مـسجد الحـرام برابـر بـا (۱۰۰,۰۰۰) صدهزار نماز در مساجد دیگر است، پس بر ادای نوافل و سـنن حـریص باش. مردی به نزد رسول الله ﷺ آمد و از او خواست تا در بهشت بـا ایـشان باشـد، رسول الله ﷺ فرمودنـد: «أعني علی نفسك بكثرة السجود». [مسلم].

مرا بر یاری‌ات به بهشت بـا ادای نوافـل بسیار کمک کن. یعنی نوافل و سنن بـسیاری انجام ده تا در بهشت با من باشی.

٤ ـ از نیکی‌هاست که بر اذکار صبح و شام محافظت کنی، پس تلاش کن تا آنرا حفظ نمائی، آنهم از روی بعضی از کتابهای اذکار مانند کتاب الشیخ بکر بن عبدالله أبوزید عضو هیئت کبار علماء.

٥ ـ بر اخلاق و معاملهٔ خوب حریص باش، و از بدی دوری کن.

٦ ـ ای برادر! به سوی توبه بشتاب، و صفحهٔ نو برای زندگی خود باز کن که پر از ایمان و عمل صالح و نیک باشد، امید است که این سفر مبارک درِ خیری باشد که تو را به خالق و مولایت نزدیک کند.

قَالَ تَعَالَىٰ: ﴿قُلْ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ
لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ
جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
وَأَسْلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا
تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن
رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ
لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ
مَا فَرَّطتُ فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ
﴿٥٦﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ
ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلْعَذَابَ لَوْ

أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ
قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ
مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ
كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ
مَثۡوًى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ
بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

[الزمر:٥٣-٦١].

«بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. و به درگاه

پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!». (این دستورها برای آن ۥست که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!». یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می‌کرد، از پرهیزگاران بودم!». یا

هنگامی که عـذاب را مـی‌بینـد بگویـد: «ای کاش بار دیگر (به دنیـا) بـازمی‌گـشتم و از نیکوکاران بودم!». آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آن را تکذیب کردی و تکبر نمـودی و از کافران بودی! و روز قیامـت کـسانی را کـه بـر خـدا دروغ بـستند مـی‌بینـی کـه صورتهایـشان سـیاه اسـت؛ آیـا در جهـنم جایگاهی برای متکبران نیـست؟! و خداونـد کسانی را که تقوا پیشه کردند بـا رسـتگاری رهایی می‌بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی‌رسـد و هرگز غمگین نخواهند شد».

و در پایان:

مؤسسه هدیه الحاج والمعتمر (**بنیاد هدیهٔ حجاج و معتمرین**). از خدا مسئلت دارد تا سعی شما مشکور، و حج و عمره‌تان مقبول باشد، و شما را سالم و با پاداشی فراوان به خانواده‌تان برگرداند، و بر ما و شما پایداری و استوار بودن بر دین و عمل نیک منت گذارد.

ادعیه ثابت از قرآن و سنت رسول الله ﷺ

﴿ رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴾. [٢٣ الأعراف].

«پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود».

﴿ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴾ [١٢٧ البقره]. «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی».

﴿ وَتُبْ عَلَيْنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴾ [١٢٨البقره]. «توبه ما را بپذیر، که تو توبه‌پذیر

و مهربانی».

﴿ رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ﴾ [۴۰ إبراهيم].

«پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قـرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرمـا)، پروردگـارا: دعای مرا بپذیر».

﴿ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴾ [۱۹ النمل]. «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام

كن، و توفيق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن».

﴿ قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى ۝٢٥ وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى ۝٢٦ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى ۝٢٧ يَفْقَهُوا۟ قَوْلِى ﴾ [٢٥-٢٨ طـه].

«پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند».

﴿ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِىٓ أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴾

[۱۴۷آل عمران].

«پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان».

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةً وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدًا ﴾ [۱۰الکهف].

«پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!».

﴿ رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ﴾ [۹۷-۹۸ المؤمنون].

«پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من- به تو پناه می‌برم!».

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ إِن نَّسِينَآ أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ ۖ وَٱعْفُ عَنَّا وَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَآ ۚ أَنتَ مَوْلَىٰنَا فَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴾ [٢٨٦ البقره]. «پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر

گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان».

﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ﴾ [۸ آل عمران]. «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای».

﴿ رَبَّنَا ٱصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۝٦٥ إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴾ [٦٥-٦٦ الفرقان].

«پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است، مسلما آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!».

﴿ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَٱجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴾ [٧٤ الفرقان]. «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای

پرهیزگاران پیشوا گردان!».

﴿ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴾ [٢٠١ البقره].

«پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

«اللهم إني أعوذ بك من فتنة النار وعذاب النار، وفتنة القبر، وعذاب القبر، وشر فتنة الغنى، وشر فتنة الفقر، اللهم إني أعوذ بك من شر فتنة المسيح الدجال اللهم اغسل قلبي بماء الثلج والبرد، ونق قلبي من الخطايا كما نقيت الثوب الأبيض من الدنس، وباعد بيني وبين

خطاياي كما باعدت بين المشرق والمغرب. اللهم إني أعوذ بك من الكسل والمأثم والمغرم».[البخاری ومسلم].

خدایا از فتنه دوزخ و عذاب دوزخ، و فتنه قبر، و عذاب قبر، و شر فتنه ثروتمندی، و شر فتنه فقیری، به تو پناه می‌برم. خدایا از فتنه دجال مسیح به تو پناه می‌برم، خدایا، قلبم را با آب یخ و تگرگ بشوی، و قلبم را از گناهان پاک گردان، همچنانکه لباس سفید از چرک پاک می‌شود، و بین من و بین خطاهایم دوری بینداز، چنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختی.

خدایا! از تنبلی و پیری وگناه و بدهکاری، به تو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من العجز والكسل، والجبن والهرم والبخل، وأعوذ بك من عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات». [البخاری ومسلم].

خدایا! همانا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر، و از فتنه زندگی و برزخ، به تو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من جهد البلاء، ودَرَكِ الشقاء، وسوء القضاء، وشماتة الأعداء». [البخاری ومسلم].

خدایا! من از شدت رنجِ بلا، بدبختی،

قضا و سرنوشت بد، و از خوشحالی دشمن، به تو پناه می‌برم.

«اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري، وأصلح لي دنياي التي فيها معاشي، وأصلح لي آخرتي التي إليها معادي، واجعل الحياة زيادة لي في كل خير، واجعل الموت راحة لي من كل شر». [مسلم].

خدایا! دین مرا اصلاح کن، که آن سبب سلامت کار من است، و دنیایم را اصلاح کن، که روزی من در آن است، و آخرت مرا اصلاح کن، که معاد و بازگشت من به آن است، و زندگی را در خیر بسیار، و مرگ را از هر شر برایم راحت بگردان.

«اللهم إني أسألك الهدى، والتقى، والعفاف، والغنى». [مسلم].

خدایا! از تو هدایت و تقوا و پاکی و بی‌نیازی خواهانم.

«اللهم إن أعوذ بك من العجز، والكسل، والجبن، والبخل، والهرم، وعذاب القبر، اللهم آت نفسي تقواها، وزكها أنت خير من زكاها. أنت وليها ومولاها».

خدایا! هرآینه من از ناتوانی و تنبلی و ترس و پیری و بخیلی، و از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! به نفسم تقوا عطا فرما و آن را پاک گردان؛ که تو بهترین پاک کنندگانی. تو مالک نفس من و صاحب آن هستی.

«اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع، ومن قلب لا يخشع، ومن نفس لا تشبع، ومن دعوة لا يستجاب لها». [مسلم].

خدایا! از علم و دانشی که سود وفایده‌ای نمی‌رساند، و از دلی که فروتن نمی‌شود، و از نفسی که سیر نمی‌شود، و از دعایی که مستجاب نمی‌شود، به تو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك، وتحول عافيتك، وفجاءة نقمتك، وجميع سخطك». [مسلم].

خدایا! من از زوال و نیست شدن نعمتت بر خودم، و از برگشتن تندرستی‌ام (به سوی بیماری و ناخوشی) و از عقوبت ناگهانی‌ات، و

از خشم و غضبت، به تو پناه می‌برم.

«اللهم أكثر مالي، وولدي، وبارك لي فيما أعطيتني، وأطل حياتي على طاعتك وأحسن عملي، واغفر لي». [أوله في البخاری ومسلم من دعاء النبی ﷺ لأنس، وآخره أخرجه البخاری في الأدب المفرد، والترمذي].

خدایا مالم و أولادم را زیاد کن، و بر آنچه به من عطا فرمودی برکت ده، و زندگیم را بر طاعت خود طولانی، و کارم را نیک بگردان، و گناهم را ببخش.

«لا إله إلا الله العظيم الحليم، لا إله إلا الله رب العرش العظيم، لا إله إلا الله رب السموات، ورب الأرض ورب العرش الكريم».

[البخاری ومسلم].

معبودی به حق نیست مگر خدای بزرگ و بردبار. معبودی به حق نیست مگر پروردگار عرش بزرگ. معبودی به حق نیست مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش بزرگ.

«اللهم رحمتك أرجو فلا تكلني إلى نفسي طرفة عين، وأصلح لي شأني كله، لا إله إلا أنت». [أبو داود وأحمد وحسنه الألبانی وغیرہ].

خدایا، من رحمتت را آرزومندم، پس هرگز مرا به خود به یک چشم زدن هم وامگذار، و تمامی امورم را اصلاح فرما، خدایی بحق نیست مگر تو.

«اللهم إني عبدك ابن عبدك، ابن أمتك، ناصيتي بيدك، ماض في حكمك، عدل في قضاؤك. أسألك بكل اسم هو لك سميت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علّمته أحداً من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن ربيع قلبي، ونور صدري، وجلاء حُزني، وذهاب همي».

[أحمد والحاكم، وحسنه ابن حجر، وصححه الألباني].

خدایا من بنده توام، پسر بنده تو، پسر کنیز تو، پیشانی‌ام (زمامم) به دست توست، حکمت بر من جاریست، و حکمت بر من عدل است، از تو خواهانم با توسل به هر اسمی که از آن تو است، و تو خود را به آن

نامیده‌ای، و یا آنر در کتاب نازل کـرده‌ای، و یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‌ای، و یـا آنرا در علم غیب نزد خود برگزیـده‌ای، کـه قرآن را بهار قلبم، و نـور سـینه‌ام، و صـیقل دهنده اندوهم، و دور کننده غمم بگردانی.

«اللهم مصرف القلوب صرف قلوبنا على طاعتك». [مسلم].

ای دگرگون کنندهٔ دل‌ها! دلم را به سوی طاعتت هدایت کن.

«اللهم إني أعوذ بك من شر سمعي، ومن شر بصري، ومن شر لساني، ومن شر قلبي، ومن شر منيي» [أبو داود والنسائي والترمذي، وصححه الألباني].

خدایا، من از شر گوش، چشم، زبان، قلب، آرزویم، بتو پناه می‌برم.

«اللهم إني أعوذ بك من منكرات الأخلاق، والأعمال، والأهواء». [الترمذي وابن حبان والحاكم والطبراني].

خدایا، از بدی اخلاق، و اعمال، و هوا و هوس به تو پناه می‌برم.

«اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عني». [الترمذي].

خدایا، تو عفو کننده و کریم هستی، و عفو را دوست داری، پس مرا عفو نما.

«اللهم إني أسألك فعل الخيرات، وترك المنكرات، وحب المساكين، وأن تغفر لي،

وتـرحمني، وإذا أردت فتنـة قـوم فتوفني غـير مفتون، وأسألك حبك، وحب من يحبك، وحب عمـل يقـربني إلى حبـك». [أحمـد والترمـذي والحاكم].

خدايا، من از تـو اعمـال خيـر، و تـرك منكرات، و محبت مساكين را خواهـانم. مـرا ببخشاى، و رحمت كـن، و اگـر بـه قـومى فتنه‌اى خواستى، مرا بـدون فتنـه بميـران، و محبت تو، و محبت كسانيكه تـو را دوسـت دارند خواهانم، و محبـت عملـى را كـه بـه محبت تو نزديك مى‌كند.

«اللـهم إنـي أسـألك مـن الخيـر كلـه عاجلـه وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم، وأعوذ بك من

الشر كله عاجله وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم. اللهم إني أسالك من خير ما سألك عبدك ونبيك، وأعوذ بك من شر ما أعاذ منه عبدك ونبيك. اللهم إني أسألك الجنة، وما قرب إليها من قول أو عمل، وأعوذ بك من النار وما قرب إليها من قول أو عمل، وأسألك أن تجعل كل قضاء قضيته لي خيراً». [ابن ماجه وأحمد والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدايا! همه خيرات را از تو خواهانم، زود و دير، آنچه من مى‌دانم، و آنچه نمى‌دانم، و از همه شرور به تو پناه مى‌برم، زود و دير، آنچه من مى‌دانم، و آنچه نمى‌دانم، خدايا، از بهترين چيزى كه بنده و

پیـــامبرت از تـــو پرســـیدند، خواهـــانم، و از بدترین چیزی که بنده و پیامبرت از آن پنـاه خواستند، پناه می‌خـواهم، خـدایا، بهـشت و آنچه مرا به آن نزدیک می‌کند از قول و عمل، از تو خواهـانم، و از دوزخ، و آنچـه بـه آن نزدیک می‌کند، از قول و عمل، بـه تـو پنـاه می‌برم. و از تو خواهانم آنچه برایم سرنوشت کرده‌ای، همه آنرا را خیر بگردان.

«اللهم احفظني بالإسلام قائماً، واحفظني بالإسلام قاعداً، واحفظني بالإسلام راقداً، ولا تشمت بي عدواً، ولا حاسداً. اللهم إني أسألك من كل خير خزائنه بيدك، وأعوذ بك من كل شر خزائنه بيدك».

[الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا! مرا مسلمانی، ایستاده و نشسته و خوابیده نگهدار، و دشمنی و حسد کننده‌ای را بر من خوشحال مگردان، خدایا، هر خوبی را که گنجینه آن به دست توست، از تو مسئلت دارم، و از هر شری که گنجینه‌اش به دست توست، به تو پناه می‌برم.

«اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا وبين معاصيك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهون به علينا مصائب الدنيا، اللهم متعنا بأسماعنا، وأبصارنا، وقواتنا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، وانصرنا على من عادانا،

ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا تسلط علينا من لا يرحمنا».

[الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا! از ترس خود به ما ارزانی بدار تا مانع ما از ارتکاب گناه باشد، و از طاعت خود به ما عطا فرما تا ما را به بهشت برساند، و یقین به ما ارزانی دار تا مصیبتهای دنیا برایمان آسان گردد، و گوش وچشم‌های‌مان، و سایر قوای بدنی مان را تا زنده‌ایم از ما بگیر، و آنرا نکاه، و ما را صاحب این نعمت‌ها(گوش، و چشم، و سایر قوای بدن) بگردان، (نه اینکه قبل از مردن از بین برود)،

و انتقام ما را از ستمگران بگیر، و بر دشمنان نصرت ده، و مصیبت ما را در دین ما قرار نده، و دنیا را مهم‌ترین قصد و اراده ما قرار مده، و دنیا را منت‌های علم و دانش ما قرار مده، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.

«اللهم إني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً ولا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي مغفرة من عندك، وارحمني إنك أنت الغفور الرحيم». [البخاری ومسلم].

خدایا! همانا من به خود ظلم کردم، ظلمی بسیار زیاد و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا بیامرز، به خاطر فضل

وكرم خودت، و به من رحم فرما. همانـا تـو بسيار آمرزنده و مهرباني.

«اللهم إنا نسألك موجبات رحمتك، وعـزائم مغفرتك، والسلامة من كل إثم، والغنيمـة مـن كل بـر، والفـوز بالجنـة، والنجـاة مـن النـار». [الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدايا، آنچه كه موجب رحمتت مى‌شود، و به مغفرتت كمك مـى‌كنـد، و سـلامتى از هـر گناه، و غنيمت از هر خير، و فيروزى بهشت، و نجات از دوزخ را، از تو خواهانم.

«اللهم اجعل أوسع رزقك على عند كبر سني، وانقطاع عمري». [الحاكم وصححه الألباني].

خدایا، فراخی روزیت را در هنگام پیریم، و از دنیا رفتنم قرار ده.

«اللهم إنى أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم، وأستغفرك لما لا أعلم». [احمد وصححه الألباني].

خدایا، من از اینکه دانسته به تو شرک ورزم، به تو پناه می‌برم، و از آنچه نمی‌دانم استغفار می‌کنم.

«اللهم إني أسألك علماً نافعاً، ورزقاً طيباً، وعملاً متقبلاً». [ابن ماجه، وصححه الألباني].

خدایا، علمی سودمند، و روزی حلال، و عملی مقبول از تو خواهانم.

«اللهم إني أسألك خير المسألة، وخير

الدعاء، وخير النجاح، وخير العمل، وخير الثواب، وخير الحياة، وخير الممات، وثبتني، وثقل موازيني، وحقق إيماني، وارفع درجاتي، وتقبل صلاتي، واغفر خطيئتي، وأسألك الدرجات العلى من الجنة، اللهم إنى أسألك فواتح الخير، وخواتمه، وجوامعه، وأوله، وظاهره، وباطنه، والدرجات العُلى من الجنة آمين. اللهم إني أسالك خير ما آتي، وخير ما أفعل، وخير ما أعمل، وخير ما بطن، وخير ما ظهر، والدرجات العلى من الجنة آمين.

اللهم إني أسألك أن ترفع ذكري، وتضع وزري، وتصلح أمري، وتطهر قلبي، وتحصن فرجي، وتنور قلبي، وتغفر لي ذنبي، وأسألك الدرجات العُلى من الجنة آمين.

اللهم إني أسألك أن تبارك في نفسي، وفي سمعي، وفى بصري، وفي روحي، وفي خَلقي، وفي خُلقي، وفي أهلي، وفي محياى، وفي مماتي، وفي عملي، فتقبل حسناتي، وأسألك الدرجات العُلى من الجنة آمين».

[الحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا، بهترین مسئلت، و بهترین دعا، از تو خواهانم، و بهترین پیروزی، و بهترین عمل، و بهترین پاداش، و بهترین زندگی، و بهترین مُردنی از تو خواهانم، مرا پایدار گردان، و ترازوی اعمال نیکم را سنگین گردان، ایمانم را به یقین برسان، و درجاتم را بلند، و نمازم را قبول فرما، و گناهم را

ببخش، و بلندترین درجات بهـشت را از تـو خواهانم، خدایا، فاتحه و خاتمـه خیرهـا، و جامع آن، و ظاهر و باطن آن، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، بهترین چیزی که بر آن میایـم، و انجام میدهم، و بهتـرین آشـکار و درون، و درجات بلند بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا، از تو خواهانم تـا ذکـرم را بلنـد گردانـی، و گنـاهم را بکـاهی، و امـورم را اصلاح کنی، و قلبم را پاک گردانی، و شـرم گاهم را محفوظ بـداری، و قلـبم را نـورانی کنی، و گناهم را ببخشی، و بلندترین درجات

بهشت را از تو خواهانم، آمین.

خدایا! از تو می‌خواهم که در نفس، گوش، چشم، روح، خلقت، اخلاق، اهل، زندگی، مردن، کارم، برکت دهی، و نیکی‌هایم را مقبول گردانی، و بلندترین درجات بهشت را از تو خواهانم، آمین.

«اللهم متعني بسمعي، وبصري، واجعلهما الوارث مني، وانصرني على من ظلمني، وخذ منه بثأري». [الترمذي، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي].

خدایا، در گوش، چشم مرا خوش بگذران، و وارث من قرار ده، و مرا بر کسی

که به من ستم کرد نصرت ده، و انتقام مرا از او بگیر.

«اللهم إني أسألك عيشة نقية، وميتة سوية، ومرداً غير مخزٍ ولا فاضح». [البزار في الزوائد، والطبراني].

خدایا! زندگی پاک، و مردنی خوب و بازگشتنی بدون خواری و رسوائی، از تو خواهانم.

اللهم صلى وسلم على محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

صفة الحج والعمرة والزيارة مع الدعاء

إعداد : مؤسسة هدية الحاج والمعتمر - المكتب العلمى

مراجعة : نخبة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة : إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

طبع ونشر :

وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد

المملكة العربية السعودية

صفة الحج والعمرة والزيارة
مع الدعاء

إعداد
مؤسسة هدية الحاج والمعتمر
المكتب العلمي

مراجعة
نخبة من العلماء

باللغة الفارسية

ترجمة: إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي
رحمه الله

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
المملكة العربية السعودية

١٤٣٩ هـ